

جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، دوره ۱۳، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۰

بازنمود نشانه‌های هویت اسلامی در رمان الرَّجُلُ الَّذِي آمَنَ

بر پایه نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو

سارا جوادی^۱، امید جهان بخت لیلی^{۲*}، هادی شعبانی چافجیری^۳

چکیده

پی‌یر گیرو، زبان‌شناس فرانسوی (۱۹۱۲-۱۹۸۳) نشانه‌های اجتماعی را از دو زاویه «هویت» و «آداب معاشرت» می‌کاود و مسئله هویت را در مقوله‌هایی چون دین، یونیفرم، نشان‌ها و مدال‌ها، گروه‌های شغلی، نام‌ها و القاب، آرایش‌ها و غیره جست‌وجو می‌کند و مسئله آداب معاشرت را در مؤلفه‌هایی همچون لحن کلام، اطوارپژوهی، فاصله‌پژوهی و غیره بررسی می‌نماید. او معتقد است که با مطالعه نشانه‌ها و درک معانی نهفته در آن‌ها می‌توان به رهیافتی ژرف از تمایز اندیشه‌ها دست یافت. ادیبان و نویسندگان با آگاهی از کارکردهای این رویکرد علمی به انتقال مقاصد ادبی خویش هم‌ت گماشته‌اند. نجیب کیلانی (۱۹۳۱-۱۹۹۵)، ادیب مصری در رمان الرَّجُلُ الَّذِي آمَنَ با استفاده از نشانه‌های اجتماعی، تقابل فرهنگ شرق و غرب و دوگانگی شخصیت افراد غرب‌زده و هویت‌باخته را در راستای تبیین هویت ناب اسلامی به تصویر کشیده است. پژوهش حاضر بر آن است تا به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی شناسه‌های «هویت اسلامی» در رمان مزبور با توجه به نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو بپردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که نویسنده اهتمام ویژه‌ای به سازه‌های دینی در اثر خود دارد. وی کوشیده تا با تمرکز بر برخی نشانه‌های اجتماعی اسلامی از قبیل اعمال دینی، عواطف دین‌مدارانه، اعتقادات دینی، یونیفرم و تن‌پوش‌های هویت‌بخش، القاب و نام‌های هویت‌مند، مناسبات شغلی مبتنی بر اخلاق اسلامی و غیره، تمایز بین شرق و غرب و نیز واقعیت‌های فرهنگی و اقتصادی آن‌ها را بازتاب دهد و با برجسته‌سازی هویت و فرهنگ اسلامی در سرزمین‌های شرقی، بسترهای نهادینه‌سازی آن را بیش‌ازپیش در اذهان مخاطبان فراهم، و روحیه پاسداری از فرهنگ دینی را در جامعه تقویت کند.

واژگان کلیدی: نشانه‌شناسی اجتماعی، پی‌یر گیرو، نجیب کیلانی، رمان الرَّجُلُ الَّذِي آمَنَ، هویت اسلامی.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۱۲

۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه گیلان؛ sarajavadi73@yahoo.com

۲ استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه گیلان. نویسنده مسئول؛ omidjahanbakht@gmail.com

۳ استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه گیلان؛ hadi.shabani@guilan.ac.ir

۱. مقدمه

متون معاصر ادبی، دارای لایه‌هایی چندگانه بوده و فهم هر یک از آنها نیازمند تأمل در نشانه‌هایی است که نویسنده، آن‌ها را ماهرانه در راستای مقصود خویش به کار گرفته است. به بیان دیگر توجه به نشانه‌ها موجب می‌شود تا ذهن انسان از گستره رابطه علت و معلولی به هدف رهنون شود و منظور را دریابد. هرچه تمرکز ذهن در این مجال فزون‌تر شود، خواننده یک متن لذت بیشتری از آن اثر خواهد برد.

یکی از شاخه‌های علم نشانه‌شناسی، نشانه‌شناسی اجتماعی است که به مطالعه زندگی نشانه‌ها در جامعه می‌پردازد (اسکولز، ۱۳۸۳: ۳۵). هر نشانه اجتماعی یک نوع مجاز جزء از کل است. درباره کارکرد آن‌ها می‌توان گفت که نشانه‌های اجتماعی در هر جامعه، بیانگر روحیات و حالات آن جامعه و نشان‌دهنده شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در بافت اجتماعی هستند (ایگلتون، ۱۳۸۰: ۱۳۳). پی‌یر گیرو، نشانه‌های اجتماعی را دو نوع «نشانه‌های هویت» و «نشانه‌های آداب معاشرت» می‌داند (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۱۷-۱۲۵). هر متن اجتماعی، حامل پیام یا مجموعه‌ای از رمزگان‌ها است که به وسیله روابط دلالتی و درون‌متنی به مخاطب انتقال داده می‌شوند. شاعران و ادیبان از این قابلیت ادبیات برای ترسیم چشم‌اندازهای موردنظر استفاده کرده‌اند. نجیب کیلانی، (۱۹۳۱-۱۹۹۵)، ادیب معاصر مصری از نویسندگانی است که در آثار ادبی خود به نشانه‌های اجتماعی اهتمام دارد. *الرَّجُلُ الَّذِي آمَنَ* از رمان‌هایی است که ضمن ترسیم تقابل فرهنگ شرق با غرب و دوگانگی شخصیت افراد، دریچه‌ای تازه از هنجارها، عقاید و آداب و رسوم جامعه اسلامی را به روی خوانندگان می‌گشاید و می‌کوشد تا با استفاده از نشانه‌های اجتماعی، واقعیت‌های زندگی اسلامی را نشان دهد و با روشنگری اذهان مردم از نفوذ و چیرگی فرهنگ غرب در جامعه جلوگیری کند؛ به دیگر سخن، رویارویی فرهنگ غرب با شرق و در پی آن غرب‌زدگی برخی عناصر موجب شد تا نویسنده برای اصلاح آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی در جوامع شرقی به استفاده از نشانه‌های اجتماعی در رمان روی آورد و بر دین به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های هویت‌بخش بیشترین تأکید و تمرکز را داشته باشد.

پژوهش حاضر بر آن است تا به روش تحلیل محتوا و با رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو به بررسی و بازنمایی هویت اسلامی در رمان *الرَّجُلُ الَّذِي آمَنَ* نجیب کیلانی بپردازد تا ضمن رمزگشایی از شگردهای نویسنده و تحلیل مؤلفه‌های هویت دینی، نشان داده شود که:

- نشانه‌های «هویت اسلامی» و عناصر وابسته به آن در رمان کیلانی چگونه تبلور یافته است؟
- اهداف نویسنده از کاربری‌های شناسه‌های دینی در اثر مزبور چیست؟

۲. پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی‌های انجام شده در منابع اطلاعاتی اینترنتی مشخص شد که تاکنون پژوهشی با رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی و با محوریت «هویت دینی» در رمان الرَّجُل الَّذِي آمَنَ انجام نشده است. لیکن آثاری وجود دارد که به نحوی با موضوع بحث در ارتباط است. از میان آن‌ها می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره نمود:

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در منابع اطلاعاتی اینترنتی مشخص گردید که تاکنون پژوهشی با رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی و با محوریت «هویت دینی» در رمان الرَّجُل الَّذِي آمَنَ انجام نشده است. لیکن آثاری وجود دارد که به نحوی با موضوع بحث در ارتباط است. از میان آن‌ها می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره کرد:

۱. پایان‌نامه «نقد نشانه‌شناسی اجتماعی در داستان‌های جلال آل احمد و یوسف ادریس» توسط فیروزه علی‌اکبری (دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴) نوشته شده و نویسنده در آن به بازتاب واقعیت‌ها و مسائل اجتماعی در داستان‌های جلال آل احمد و یوسف ادریس با رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی پرداخته است.
۲. پایان‌نامه «بررسی جایگاه زن در رمان‌های نجیب کیلانی با تکیه بر سه رمان الرَّجُل الَّذِي آمَنَ، عُدْرَاءُ جَاكِرْتَا و امْرَأَةُ عَبْدِ الْمُتَجَلِّي» به قلم مرضیه محقق‌نیا (دانشگاه بیرجند، ۱۳۹۵) به انجام رسیده و در آن، جایگاه زن در تمامی عرصه‌های آموزشی، اقتصادی، اجتماعی بررسی شده است.
۳. پایان‌نامه «تطبیق نشانه‌شناسی اجتماعی داستان‌های کوتاه علی اشرف درویشیان و یوسف ادریس با تکیه بر مجموعه‌های از این ولایت و بیت من لحم» که توسط علی کارگر (دانشگاه بیرجند، ۱۳۹۵) منتشر شده و در آن به بررسی مفهوم ارزشی و ایدئولوژیکی این آثار و مقایسه آنها با یکدیگر از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی توجه شده است.
۴. مقاله «نقد و بررسی داستان الرَّجُل الَّذِي آمَنَ اثر نجیب کیلانی» از فائزه توقع همدانی (حکمت سینوی، ۱۳۸۱) که در آن به نقد رمان پرداخته شده و مباحثی چون تعلیم باورهای

- اصیل دینی، آگاهی‌بخشی به قشر جوان، تقابل‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی غرب و جهان اسلام بررسی شده‌است. ۵. مقاله «بررسی و تحلیل شخصیت زن در رمان‌های نجیب کیلانی (مطالعه موردی: رمان‌های الطریق الطویل، قاتل حمزه و الرَّجُلُ الَّذِي آمَنَ)» نوشته عزت ملا ابراهیمی و فهیمه یگانه (زن در فرهنگ و هنر، ۱۳۹۳) که در آن به شخصیت-پردازی زن به ترتیب درون‌مایه‌های اجتماعی، تاریخی و اسلامی نگریسته شده‌است.
۶. مقاله «نشانه‌شناسی اجتماعی داستان کوتاه القميص المسروق کنفانی با تکیه بر سازه‌های گفتمانی هلیدی» از تورج زینی‌وند و سمیه صولتی (زبان و ادبیات عربی، ۱۳۹۶) که نویسندگان در آن به چگونگی بازتاب واقعیت در حوزه اندیشگانی و نحوه تعامل شخصیت-ها در حوزه میان‌فردی و شیوه انسجام در سطح متنی پرداخته‌اند.
۷. مقاله «واکاوی بحران هویت زنان زیر تیغ داعش در رمان الکافره بر پایه نظریه اریکسون» از زهرا ماهوزی، رسول بلاوی و ناصر زارع (جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، ۱۳۹۹) که نویسندگان با هدف آشنایی خوانندگان ایرانی با وضعیت زنان عراقی بحران‌زده در زیر بار ظلم داعشیان به مؤلفه‌های بحران هویت در رمان الکافره بر اساس نظریه اریکسون پرداخته و پیامدهای ناشی از این شرایط را بررسی کرده‌اند.
۸. مقاله «هویت فرهنگی و اجتماعی در بین جوانان شهر شیراز با توجه به عامل رسانه» اثر محمدرضا جوادی یگانه و جلیل عزیزی (تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۳۸۷) که نویسندگان در آن با استفاده از روش میدانی و ابزار پرسش‌نامه، احتمال بحران هویت و نیز میزان احساس تعلق جوانان شهر شیراز به هویت فرهنگی و اجتماعی را کاویده‌اند. با این بیان گرچه تحقیقاتی پیرامون نشانه‌شناسی اجتماعی، رمان الرَّجُلُ الَّذِي آمَنَ و نیز هویت صورت گرفته است؛ لیکن تاکنون پژوهشی به‌طور متمرکز به بازنمود «هویت دینی» در اثر مورد نظر نپرداخته و جستار حاضر می‌کوشد تا در پرتو نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌برگردد که ناظر به دو مقوله «هویت» و «آداب معاشرت» است، به تحلیل نمونه‌ها و شواهدی از آن اقدام نماید.

۱-۲. خلاصه رمان الرَّجُلُ الَّذِي آمَنَ

این داستان، روایت زندگی مردی است به نام «اریان»، نوازنده مسیحی ایتالیایی که به دین اسلام مشرف شده است. اریان در رُم به دختری به نام صوفیا پیشنهاد ازدواج می‌دهد؛ ولی صوفیا به

گونه‌ای تمسخرآمیز پیشنهاد وی را رد می‌کند. سپس اریان به دبی سفر می‌کند و در آنجا با رقاصه‌ای مسلمان به نام «شمس» آشنا می‌شود و به او پیشنهاد ازدواج می‌دهد؛ اما شمس مسلمان شدن اریان را پیش شرط ازدواج خود قرار می‌دهد. زین پس، اریان تلاش‌های همه‌جانبه‌ای را برای آشنایی با دین اسلام آغاز می‌کند و در نهایت، لفظ شهادتین را بر زبان جاری کرده و به دین اسلام می‌گردد و نام عبدالله را برای خود برمی‌گزیند. خبر مسلمان شدن عبدالله، شمس را خرسند و در ازدواج با وی مصمم می‌کند؛ اما این بار عبدالله است که وی را به سبب اسلام وراثتی و عدم پایبندی به اصول علمی اسلام نمی‌پذیرد و در این گذار تحول‌ساز، پیشه نوازندگی را نیز رها کرده و به پیشه رانندگی مشغول می‌شود و به پیشنهاد شیخ مسجد محله با دختری سوری الأصل به نام میسون ازدواج می‌کند.

۳. نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو

اصطلاح «نشانه‌شناسی»، مطالعه عام نظام‌های نشانه‌ای و به تعبیری مطالعه معنا در عام‌ترین مفهوم است و اجتماعی بودن آن، معادل واژه «فرهنگ» است؛ لذا نشانه‌شناسی اجتماعی مطالعه اجتماع یا فرهنگ همچون نظامی از معانی است که پیوندی دوسویه با زبان دارد؛ فرهنگ اجتماعی، زبان را تولید می‌کند و زبان با ورود به گستره نظام نشانه‌ها و نظام ایدئولوژیکی جامعه در جهت بازتولید فرهنگ و نظام اجتماعی قدم می‌نهد (أحمد، ۲۰۰۱: ۵۱). منابع نشانه‌شناسی منحصر به گفتار، نوشتار یا تصویر نمی‌شود. تقریباً تمامی کارهایی که انجام می‌دهیم یا چیزهایی که خلق می‌کنیم می‌تواند به شیوه‌های متفاوتی صورت پذیرد و از این رو، اساساً، امکان خلق معناهای فرهنگی و اجتماعی متفاوتی را برای ما فراهم می‌آورد (لیوون، ۱۳۹۵: ۳۲).

یکی از برجسته‌ترین نشانه‌شناسان، پی‌یر گیرو فرانسوی است که در کتاب خود با عنوان *نشانه‌شناسی* به بحث نشانه‌های اجتماعی می‌پردازد و یکی از انواع نشانه‌های اجتماعی را مقوله «هویت» می‌داند (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۱۷). کلمه *هویت*^۱ از نظر لغوی به معنای «هستی، وجود، ماهیت، سرشت و آنچه موجب شناسایی شخص می‌شود» است (معین، ۱۳۸۱، ۴: ۵۲۲۸). در اصطلاح، عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات فردی و اجتماعی و احساسات و اندیشه‌های مربوط به آن‌ها که فرد آن‌ها را از طریق توانایی کنش متقابل با خود و یافتن

تصوراتی از خود به دست می‌آورد و در پاسخ به سؤال «من کیستم» ارائه می‌دهد (جوادی یگانه، ۱۳۸۷: ۱۸۷). در خوانش جامعه‌شناختی، نکته‌ اساسی هویت آن است که «هویت-من» پایدار با فرآیند جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد. در روند کسب «هویت-من» انسان دارای آن دسته از مهارت‌هایی می‌شود که برای کنش مستقل در جامعه ضروری است (شفرز، ۱۳۸۴: ۱۳). هویت در یک مقوله‌بندی در دو سطح قابل بررسی است: اول هویت فردی که به سبب آن، شخص به لحاظ جسمی و عقلی از فرد یا افراد دیگر متمایز می‌شود؛ دوم هویت جمعی که به سبب آن یک گروه، قوم و ملتی از دیگران بازشناسی می‌شوند (حیاتی، ۱۳۸۶: ۶۶). نشانه‌های هویت، تعلق فرد به یک گروه اجتماعی یا اقتصادی را بیان می‌کنند. کار آن‌ها طبقه‌بندی نظام‌های اجتماعی در هر جامعه است و روابط میان افراد و گروه‌ها را به نمایش می‌گذارند از نظر پی‌یر گیرو این نشانه‌ها به انواع مختلفی از قبیل یک: «دین»، «آرم‌ها» و «توت‌ها» دو: یونیفرم و لباس‌ها، سه: نشان‌ها و مدال‌ها، چهار: خال‌کوبی‌ها، آرایش‌ها، مُدل‌های مو، پنج: نام‌ها و القاب، شش: گروه‌های شغلی، هفت: علائم تجاری و غیره تقسیم می‌شوند (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۱۷). هویت دینی در رمان *الرَّجُلُ الَّذِي آمَنَ* تبلور شایانی دارد و شناسه‌های آن را می‌توان در مؤلفه‌هایی همچون اعتقادات دینی، عواطف دین‌مدارانه، اعمال دینی، القاب و نام‌های هویت‌مند، یونیفرم و تن‌پوش‌های هویت‌بخش، مناسبات شغلی مبتنی بر اخلاق اسلامی بررسی کرد.

۳-۱. باز نمود ابعاد هویت دین در رمان *الرَّجُلُ الَّذِي آمَنَ*

گرایش به پرستش در همه دوره‌های تاریخی وجود داشته‌است. در جوامع ابتدایی، قبل از شکل‌گیری نهادها و تحول‌پذیری آن‌ها انسان دارای گرایش فطری به خدا و پرستش او بوده است تا بتواند نیازهای درونی خود را از این راه تأمین کند. این گرایش او را وا می‌داشت تا موجودی را پرستد و در ارتباط با او به زندگی‌اش شکل دهد و آن را استمرار ببخشد (زند و کیلی، ۱۳۷۶: ۳۲). فیلسوف فرانسوی، اگوست گنت، بنیان‌گذار جامعه‌شناسی نوین بر حسب ابعاد سه‌گانه وجودی انسان برای دین سه بعد «عقاید»، «عواطف» و «اعمال» قائل است (آرون، ۱۳۷۰: ۱۱۶). عنصر دین در رمان *الرَّجُلُ الَّذِي آمَنَ* از این ابعاد و عناصر وابسته بدان قابل بررسی است:

۳-۱-۱. اعتقادات دینی

بعد اعتقادی دین یا عقاید دینی عبارت است از باورهایی که انتظار می‌رود پیروان آن دین، آن‌ها را شناخته، بدان معتقد بوده و ایمان بیاورند (طالبان، ۱۳۸۸: ۲۰). کیلانی در این رمان، توجه

خاصی به بعد اعتقادی نشان می‌دهد؛ به‌عنوان نمونه هنگامی که اریان از علی، راهنمای هتل می‌پرسد که آیا در اینجا کلیسایی هم یافت می‌شود؟ به او چنین پاسخ می‌دهد:

«ومساجدٌ ومعابدٌ للسیخ و غیرهم. حریةُ العبادة مكفولةٌ للجميع. ولا إكراه فی الدین. هذه عقیدتنا و سیاستنا» (کیلانی، ۲۰۰۵: ۱۳).

ترجمه: «آری. کلیسا، مسجد و عبادتگاه برای سیک‌ها و دیگران وجود دارد. آزادی در عبادت برای همه ضمانت شده و هیچ اجباری در دین نیست. این اعتقاد ما و سیاست حکومتی ماست.»

با توجه به گفته فوق، وجود معبد برای سیک‌ها در کنار مساجد در جامعه اسلامی نشانه همزیستی مسلمانان با پیروان ادیان دیگر است و این همزیستی و احترام به ادیان، ریشه در اعتقادات دینی مسلمانان دارد؛ چنان‌که نویسنده از زبان شخصیت داستانش بیان می‌کند که آزادی در عبادت از سوی اسلام ضمانت شده است. نویسنده به‌منظور تأکید و تفهیم بهتر مقصود از تناص دینی و تضمین آیه **﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾** (بقره: ۲۵۵) بهره می‌گیرد و بدین‌سان اصل آزادی در پذیرش دین اسلام و اعتقادات مسلمانان و هویت دینی آنان را برای مخاطب به نمایش می‌گذارد. این آیه به «عقیده انسان» مربوط می‌شود و به‌طور موجز و کامل این نکته را بازتاب می‌دهد که نباید عقیده انسان را به‌زور به کسی تحمیل کرد و تلاش در این زمینه، نتیجه‌ای نخواهد داشت مگر آنکه چنین عقیده‌ای برآمده از قلب باشد نه فقط زبان.

مسئله دیگر در زمینه اعتقادات دینی، حرام بودن ازدواج مسلمان با غیر مسلمان است که نویسنده در گفت‌وگوی میان شخصیت‌های رمان به آن اشاره می‌کند؛ به‌عنوان نمونه هنگامی که اریان به شمس پیشنهاد ازدواج می‌دهد، او نمی‌پذیرد و در واکنش به درخواستش این‌گونه پاسخ می‌دهد:

«لأن المسلمة لا یحلّ لها أن تتزوج إلا مُسلماً/ وما معنی ذلك؟/ أنت مسیحیٌ وأنا مسلمةٌ والزواج مستحیل./ لماذا؟/ هكذا عقیدتنا، لكن المسلم یمکن أن یتزوج الکتابیة./ لا أرید أن أبحث الأسباب الآن لكن أخبرینی ماذا أفعل؟/ تعتنق الإسلام./ وما هو الإسلام یا شمس؟/ لا أعرف الكثير ولكن علیک أن تشهد ألا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله وأشیاء أخرى غیر ذلك» (کیلانی، ۲۰۰۵: ۲۵).

ترجمه: «چون زن مسلمان اجازه ندارد با مرد غیر مسلمان ازدواج کند. / این یعنی چه؟ / یعنی این که تو مسیحی هستی و من مسلمانم و ازدواج ما با هم غیر ممکن است. / چرا؟ / این اعتقاد و دین ماست. / اما مرد مسلمان می‌تواند با زن اهل کتاب ازدواج کند. / حالا نمی‌خواهم علل این اعتقادات را جست‌وجو کنم / پس به من بگو چه کار باید کنم؟ / باید دین اسلام را بپذیری و مسلمان شوی. / اسلام چیست شمس؟ / من چیز زیادی نمی‌دانم. / باید شهادت دهی که خدایی جز الله وجود ندارد و این که حضرت محمد (ص)، فرستاده اوست و چیزهای دیگر».

شمس در این رمان، شخصیتی است که به بسیاری از قوانین اسلامی همچون رعایت حجاب و پرهیز از شراب‌خواری پایبند نیست؛ اما این اعتقاد اسلامی که «زن مسلمان حق ندارد با مرد مسیحی ازدواج کند» را به اریان گوشزد کرده و از او می‌خواهد که مسلمان شود. می‌توان دریافت که این درخواست شمس، نشانه آن است که شمس دچار دوگانگی هویت شده و از این منظر، از یک سو به برخی از عقاید اسلامی پایبند است و از سوی دیگر تحت تأثیر فرهنگ غرب، برخی از احکام اسلامی را زیر پا می‌نهد. این سردرگمی زمانی برجسته‌تر می‌شود که اریان در مورد ماهیت اسلام از شمس می‌پرسد و او در پاسخ، اطلاعات چندانی برای گفتن ندارد. در اینجا می‌توان اذعان کرد، «زمانی که فرد یا جامعه از عناصر هویت‌ساز خویش مانند دین، فرهنگ و غیره آگاهی نداشته باشد و عناصر هویتی جایگاه خود را به‌عنوان شاخص‌های شناخت یک جامعه از دست بدهد، فرد با بحران هویتی مواجه می‌شود» (اکبری، ۱۳۸۷: ۲۲۲).

نویسنده از طریق شخصیت پردازی، شمس را نمادی از یک مسلمان نسبتاً ناآگاه به دین خود قرار داده تا این پیام تلنگرآمیز را به مخاطب القا کند که غلبه فرهنگ غرب در جوامع اسلامی باعث شده تا اشتیاق نسل‌های امروز به فراگیری مسائل دینی‌شان کاهش و در مقابل، بحران و دوگانگی هویت افزایش یابد.

نمونه دیگر از تبلور هویت اسلامی در این رمان، اعتقاد به پیامبران الهی است. در این‌باره شایان ذکر است که خداوند از آیه ۸۴ تا ۸۶ سوره انعام، همه انبیای بزرگ را تأیید و آن‌ها را صاحب شریعت دانسته است. نویسنده با تمسک به این مسئله و از زبان یکی از شخصیت‌های داستان به نام شیخ عید الیعقوبی در خطاب به اریان، آن را مطرح می‌کند:

«ولن یصح إيمانك إلا إذا آمنت بإبراهيم وموسى وعيسى ومحمد والأنبياء جميعاً والكتب المنزلة الصحيحة التوراة والإنجيل والقرآن» (کیلانی، ۲۰۰۵: ۳۳).

ترجمه: «و هرگز ایمان تو درست و کامل نخواهد بود مگر آن‌که به ابراهیم، موسی، عیسی، محمد و همه پیامبران و کتاب‌هایی که از سوی پروردگار نازل شده؛ مانند تورات و انجیل و قرآن ایمان بیاوری.»

در اینجا نویسنده از زبان یکی از مردم شرق و از پیروان دین اسلام در گفت‌وگو با یکی از مردم غرب به فراخوانی شخصیت‌های دینی می‌پردازد و سعی در افشای نشانه‌های اجتماعی اسلامی و لایه‌های زیربنایی متن دارد. او از طریق این گفتگو، خواننده را به تحقیق و تفحص در مورد دین اسلام دعوت می‌کند تا با اثبات این مسأله که ایمان به تمام پیامبران الهی و کتاب‌های آسمانی‌شان لازمهٔ مسلمان شدن است، برتری و جامع بودن دین اسلام را نسبت به ادیان دیگر نمایان سازد؛ لذا اسلام را به‌عنوان دینی معرفی می‌کند که همهٔ پیامبران الهی و شرایع آن‌ها را در بر دارد و معتقد است همهٔ پیامبران از حقیقتی واحد سرچشمه گرفته و برای هدفی واحد فرستاده شده‌اند و در سخنان خود مورد تأیید یکدیگر هستند. در حالی که ادیانی همچون مسیحیت تنها به نبوت حضرت عیسی (ع) و پیامبران پیش از ایشان معتقدند و نبوت حضرت محمد (ص) را باور ندارند؛ بنابراین چنین اعتقادی، نشانهٔ جامعیت دین اسلام و همبستگی آن با دیگر ادیان الهی است. کیلانی با طرح این گفت‌وگوی اعتقادی از زبان شیخ عید الیعقوبی، تعلق یک مؤمن مسلمان به هویت دینی خود را نمایان می‌سازد؛ به بیان دیگر، او به واسطهٔ این عقیده (= نشانه)، هویت دینی و نیز تعلق خود به مقولهٔ اجتماعی آیین اسلام را نشان می‌دهد و با طرح آن در جامعه، در صدد نهاده‌سازی آن است. در اینجا می‌توان آیین اسلام را به‌مثابهٔ نوعی از کانال ارتباطی دانست که به‌واسطهٔ آن، شیخ یعقوبی اندیشهٔ اعتقادی خود را در چارچوب رابطه‌ای که با پیروان اسلام در جامعه دارد، معرفی می‌کند؛ همچنین می‌توان گفت که دیدگاه شیخ یعقوبی با نشان دادن و تبیین اصول اسلام در جامعه، آن را به نمایش می‌گذارد.

۳-۱-۲. عواطف دین‌مدارانه

بعد احساسی دینداری در مطالعات علمی غالباً با تعبیر «تجربهٔ دینی» آمده‌است (پراودفورت، ۱۳۸۳: ۲۴۵). تاریخ معرفی تجربهٔ دینی به‌عنوان گوهر دین به زمان فیلسوف آلمانی شلایر مآخر باز می‌گردد. او تجربهٔ دینی را متعلق به حوزهٔ عواطف و احساسات می‌داند و احوال دینی را از مصادیق آن می‌شمارد و اموری از قبیل احساس وابستگی یا اشتیاق به حقیقت غایی را نیز تجربهٔ دینی می‌نامد (پترسون، ۱۳۷۶: ۴۱). از دیدگاه ویلیام آلستون، فیلسوف دین، اصطلاح تجربهٔ دینی

به معنای دقیق آن برای هرگونه تجربه‌ای به کار می‌رود که آدمی در ارتباط با حیات دینی خود دارد؛ از جمله احساس گناه یا رهایی، وجد و سرور، ترس، شوق، تمنا، احساس امتنان و مانند این‌ها (آلستون، ۱۳۸۳: ۶۸). با توجه به این گزاره می‌توان به نمونه‌هایی برجسته از تجارب و عواطف دین‌مدارانه در قالب شوق‌ها، عبادت‌ها، احساس آرامش، افتخار، همدلی و غیره در رمان کیلانی دست یافت که نویسنده آن‌ها را به شکل‌های گوناگون دستمایه کار قرار می‌دهد؛ یکی از این مصادیق «دعا کردن» است؛ چنان‌که در قسمتی از رمان می‌بینیم، بنیتو به خاطر مسلمان شدن عبدالله با کینه و خشم به او حمله برده و مجروحش می‌کند. بعد از این حادثه، مسلمانان، بیدرنگ او را به بیمارستان منتقل می‌کنند. در این هنگام شیخ عید از مردم می‌خواهد تا برای سلامتی عبدالله دعا کنند:

«ایها الناس! اذعوا لأخیکم عبدالله کارلو بالنجاة وألحوا فی الدعاء. اذعوا من أعماق قلوبکم»
(کیلانی، ۲۰۰۵: ۱۱۱).

ترجمه: «ای مردم! برای خوب شدن حال برادرتان عبدالله کارلو دعا کنید و به اصرار هم دعا کنید. از صمیم قلب دعا کنید.»

گفتنی است که دعا برای دیگران، یکی از آموزه‌های تربیتی و اخلاقی اسلام است. در این باره، امام باقر (ع) می‌فرماید: «دعایی که بیشتر امید استجاب آن می‌رود و زودتر به نتیجه می‌رسد، دعا برای برادر دینی است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۵۰۷). در این رمان می‌بینیم که شیخ عید به‌طور مکرر از مردم می‌خواهد تا برای بهبودی عبدالله دعا کنند. وی، عبدالله را برادر مردم تلقی می‌کند و با این نوع خطاب، نوعی همبستگی احساسی را به‌نمایش می‌گذارد که به‌واسطه دین اسلام در میان مسلمانان جریان یافته و درخواست‌های پیاپی او برای دعا، جایگاه و اهمیت آن را در جامعه اسلامی نشان می‌دهد؛ لذا نویسنده، عنصر «دعا» را برای معرفی هویت اسلامی و تداعی فضیلت‌های آن برمی‌گزیند و با به‌تصویرکشیدن احساسات عمیق مسلمانان نسبت به یکدیگر در سایه دین به بازنمایی بیش‌ازپیش آن در جامعه کمک می‌کند. در این بخش همچنین می‌توان به تبلور یکی دیگر از دستورات اسلامی اشاره کرد که اهتمام به امور مسلمانان و کمک به هموعان است و تحقق این حکم با نظر به این کارکرد دین که «دین به هنجارها تقدس می‌بخشد و هدف‌های گروهی را بر فراز هدف‌های فردی قرار می‌دهد و نظم اجتماعی را مشروع می‌کند» (همیلتون، ۱۳۹۴: ۲۰۸) در همکاری مسلمانان برای انتقال عبدالله به بیمارستان و پیشی-

گرفتن از یکدیگر برای اهدای خون به وی به زیبایی نمود دارد و اجرای آن، موجب شکل‌گیری احساس وحدت، همدلی، مسئولیت‌پذیری و حمایت اجتماعی بین مسلمانان شده است تا حدی که آن‌ها کمک به برادر دینی را افتخاری برای خود می‌دانند:

«أتى الشيخ عيد اليعقوبى ومعه نخبة من تلامذته، لم يعد أحد من الحاضرين يفكر إلا فى نقله إلى المستشفى بأسرع ما يمكن وفى دقائق معدودة وصل إلى المستشفى راشد فى البر الثانى من مدينة دُبي، عندما طلبوا من يتبرع له بالدم تسابق الحضور وكل واحد يريد أن يحظى بالشرف الكبير» (كيلانى، ۲۰۰۵: ۱۱۰).

ترجمه: «شیخ عید الیعقوبی به همراه تعدادی از شاگردانش آمد. آن‌ها به چیزی جز انتقال فوری عبدالله به بیمارستان فکر نمی‌کردند و چند دقیقه بعد هم او را به بیمارستان راشد در منطقه البر الثانی شهر دبی رساندند. هنگامی که درخواست اهدای خون شد، همگی برای این کار پیش‌قدم شدند و هر کدام از حاضران می‌خواست از این افتخار بزرگ بهره‌مند شود.» نویسنده در گزاره فوق، روابط عمیق و صمیمانه مسلمانان را بازنمایی می‌کند تا این اندیشه را به ذهن مخاطب القا کند که نظیر جامعه‌ای که تحت حاکمیت اسلام شکل گرفته، در سایه ادیان دیگر به چشم نمی‌خورد و این ارتباط عاطفی قوی در میان مسلمانان، نمایه‌ای از بعد عاطفی هویت اسلامی را هویدا می‌کند. با عنایت به شواهد فوق، «هویت دینی اگر تقویت شود، باعث پذیرش و مقبولیت اجتماعی فرد می‌شود؛ چرا که اصلاح رابطه خود با خدا به اصلاح رابطه فرد با دیگران از سوی خداوند می‌انجامد و خداوند بذریه محبت و انجذاب وی را در قلوب دیگران می‌پاشد» (حسنی، ۱۳۷۸: ۱۲۹)؛ امری که می‌توان مصداق آن را در محبوبیت عبدالله در میان مسلمانان شاهد بود.

کیلانی در بخش دیگری از رمان به عشق عبدالله نسبت به دین اسلام می‌پردازد: «وخلد إلى راحة حقيقية لم يذق مثلها طول حياته وذات مساء همس لزوجه «ميسون» قائلاً: لقد أحببت الإسلام حُباً ملكَ علىَّ حياتي» (کیلانی، ۲۰۰۵: ۱۰۴).

ترجمه: «عبدالله کارلو به آرامشی رسید که مانند آن را در طول زندگی احساس نکرده بود. در یکی از شب‌ها به همسرش میسون گفت: من چنان دلباخته اسلام شده‌ام که تمام زندگی‌ام را فرا گرفته است.»

عبدالله پس از گرویدن به اسلام در تمام مسائل زندگی از جمله انتخاب همسر و شغل مطابق معیارهای اسلامی رفتار می‌کند و در پی آن، آرامشی در وی پدید می‌آید که در تمام عمر، همتایش را تجربه نکرده است. نویسنده با دستاویز قرار دادن عشق عمیق عبدالله به دین اسلام در صدد است تا کارایی و تأثیر مثبت آن را در کانون خانواده ترسیم کند و در مقیاسی وسیع‌تر، بُعد عاطفی دین اسلام را در زندگی اجتماعی به نمایش بگذارد. با توجه به کنش‌های صورت‌گرفته در شواهد فوق می‌توان اذعان کرد که «دین، نه فقط اعمال بلکه رفتار و احساسات فرد را برایش تعیین می‌کند (استارک، ۱۳۹۳: ۴۱۷) و در این رمان به‌مثابه راهنمایی در مسیر زندگی شخصیت‌ها عمل کرده است.

۳-۱-۳. اعمال دینی

اعمال دینی، تجلی عقاید و هویت دینی است (طالبان، ۱۳۸۸: ۳۷) و شامل اخلاقیات «راستگویی، پرهیز از دروغ‌گویی، حرص و غیره»، شریعات «امر به معروف و نهی از منکر، پرهیز از قماربازی و غیره» و عبادات «نماز، روزه، خمس و زکات» می‌باشد. کیلانی در این رمان به بسیاری از آن‌ها از جمله نماز اهتمام ویژه دارد. به‌عنوان نمونه پیرامون نقش پررنگ مسجد در زندگی مردم این‌گونه می‌گوید:

«مساجد الصلاة مفتوحة للمسلمين في كل يوم وفي كل وقت وليس يوم الأحد فقط وأنَّ أهمَّ يومٍ عندهم هو يوم الجمعة، حيث يحتشد الناس في المساجد التي تضيئُ بهم، فيفتشون الأرض في الشوارع أو الميدان القريب، كما أنَّ الناس يذهبون إلى الصلاة في المساجد خمس مرَّاتٍ في اليوم» (کیلانی، ۲۰۰۵: ۱۸).

ترجمه: «مساجد هر روز و در هر وقت، نه فقط روز یکشنبه، برای خواندن نماز به روی مسلمانان باز است و مهم‌ترین روز نزد آنان روز جمعه است که در این روز مردم در مساجد گرد هم می‌آیند، به‌طوری که مساجد پر از جمعیت می‌شود و مردم در خیابان‌ها و میدان‌های اطراف بر روی زمین می‌نشینند و نماز می‌خوانند. همچنین مردم در هر شبانه‌روز پنج بار برای اقامه نماز به مساجد می‌روند.»

نویسنده در گفته فوق به بیان قوانین مساجد و اشتیاق مسلمانان برای برپایی نماز می‌پردازد. تعبیرهایی نظیر «کل یوم» و «فی کل وقت» نشان‌دهنده تأکید کیلانی بر باز بودن همیشگی مساجد به روی مسلمانان جهت ادای نماز است. او با عبارت کنایی «نه فقط روز یکشنبه»، ذهن

مخاطب را به مقایسه میان کلیسای مسیحیان معطوف می‌کند که دارای محدودیت زمانی برای عبادت است و فقط در روزهای یکشنبه برای انجام اعمال عبادی گشوده می‌شود و مساجد مسلمانان که هر روز و همیشه به روی آنان باز است. وی همچنین به روز جمعه اشاره می‌کند که مهم‌ترین روز برپایی نماز برای مسلمانان است و میزان اهمیت این روز در نزد مسلمان و اشتیاق آن‌ها را با به‌تصویر کشیدن حضور پرازدحام نمازگزاران در مساجد که تا خیابان‌ها و میدان‌های اطراف امتداد می‌یابد، نشان می‌دهد، همچنین مسئله پنج‌بار نماز خواندن مسلمانان در یک شبانه‌روز را مطرح می‌کند که نشان از ارتباط عمیق آن‌ها با خدا و احساس آرامش در همه جنبه‌های زندگی‌شان دارد و این رویه در ادیان دیگر چنین کاربردی ندارد. با این بیان کیلانی با بازنمایی بُعد عملی دین اسلام در مقایسه با مسیحیت، فضیلت و برتری این دین را به ذهن خوانندگان اثرش متبادر می‌سازد.

او همچنین مسئله ممنوعیت نوشیدن شراب را مطرح می‌کند و با این اقدام بر اهمیت رعایت فرایض دینی در دین اسلام و پرهیز از محرّمات تأکید فزون‌تری می‌کند. به‌عنوان نمونه هنگامی که شمس به عبدالله شراب تعارف می‌کند:

«على العشاء قالت له: أأصبُّ لك كأساً؟ قال دون أن يرفع عينيه إليها: لم أغدأ أشرب الخمر»
(کیلانی، ۲۰۰۵: ۵۱).

ترجمه: «هنگام صرف شام شمس به اریان گفت: برایت یک لیوان مشروب بریزم؟ اریان بی آن که سرش را بلند کند و به شمس نگاه کند گفت: من دیگر شراب نمی‌نوشم.»
بی‌تردید نوشیدن شراب منجر به بروز بیماری‌های قلبی و آسیب به سیستم عصبی می‌شود و از سوی دیگر موجب بطلان نماز می‌گردد و اسباب دوری انسان از خداوند را فراهم آورد. با این‌وصف، پرهیز از شراب‌خواری از اعمال دینی فرد مسلمان است و در آیات الهی نیز این مسئله تصریح شده است^۱. اریان، طبق مطالعاتی که در این زمینه انجام داده، با درک این مسائل و به‌منظور پایبندی به این حکم شرعی از نوشیدن آن خودداری می‌کند و هنگامی که شمس از او می‌پرسد که آیا برایش شراب بریزد؟ بی آنکه سرش را بلند کند، به او پاسخ منفی می‌دهد. بلند نکردن سر و نگاه‌نکردن به شمس، نوعی ارتباط غیرکلامی و بیانگر مخالفت و خشم اریان نسبت

۱ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾
(مانده: ۹۰).

به درخواست شمس است و کارکردی تکمیلی - تأکیدی برای واکنش کلامی او دارد و شدت نفرت وی را هویدا می‌سازد؛ بنابراین نویسنده با طرح این گفت‌وگو، یکی از احکام شرعی و میزان پایبندی یک مسلمان به آن را بازنمایی می‌کند.

۳-۱-۴. یونیفرم و تن پوش‌های هویت‌بخش

یونیفرم، اشارتی است به هویت فرد (گیرو، ۱۳۸۰: ۵۸). یک یونیفرم از یک سو، دلالتی صریح به درجه و کار یک شخص، و از سوی دیگر، دلالتی ضمنی بر اعتبار و اقتدار همراه با آنها دارد (همان: ۴۷).

پوشاک در آغاز شکل‌گیری اجتماعات، نقش حفاظتی داشته و برای مصون نگه‌داشتن بدن انسان در برابر عوامل طبیعی به‌کار می‌رفت؛ اما بعدها با گسترش فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی و شکل‌گیری عقاید دینی - مذهبی در ذهنیت مردم، پوشاک و نوع رنگ، جنس، شکل و سبک دوخت تن‌پوش‌ها، نقش فرهنگی و نمادین آن برجسته شد (یارشاطر، ۱۳۸۳: ۱۷). کیلانی در این رمان، یونیفرم و تن‌پوش‌ها را رمزگانی برای برجسته‌سازی و نمایش فرهنگ اسلامی در جوامع شرقی قرار می‌دهد. او از دید یک انسان غربی و به‌واسطه شخصیت اربان به انواع پوشش‌هایی می‌پردازد که امروزه در شرق شایع است و از این رهگذر ماهیت سوداگرانه تبلیغات غرب را به چالش و نقد می‌کشد و می‌کوشد تا مقصود خود را از به‌وسیله شگفت‌زدگی اربان از گونه‌های پوشش در خیابان‌های دُبی به خواننده منتقل نماید:

«والمذهلُ أيضاً أن إربان رأى كثيراً من النساء الأجنبية حاسرات الرؤوس، ينطلقن في حريه وإن رأى بعض المحجبات والمنقبات، لقد كان يسمع في روما ويقراً أيضاً أن النساء في مثل هذه البلاد لا يغادرن البيوت ولا يخالطن الرجال» (کیلانی، ۲۰۰۵: ۱۲).

ترجمه: «و شگفت‌آور این‌که اربان بسیاری از زنان خارجی را دید که با سرهای برهنه و آزادانه در حال رفت‌وآمد بودند، هرچند که برخی زنان چادری و نقاب‌دار را هم مشاهده کرد. در رُم، بسیار شنیده و خوانده بود که زنان در چنین کشورهایی از خانه بیرون نمی‌روند و با مردان در تعامل نیستند.»

نویسنده در این گفته، دو نوع پوشش را در جامعه اسلامی ترسیم کرده و چنان‌که پیداست انواع سبک‌های پوشاک در این جامعه رواج دارد و به تبع آن و بر خلاف تبلیغات و باورهای غرب، آزادی انتخاب نیز در نوع پوشش افراد مشهود است؛ لذا گروه‌هایی از زنان بر اساس

علاقی و ارزش‌های مذهبی، از میان انواع سبک‌ها، لباس‌های پوشیده و نقاب‌دار را برای مصرف برمی‌گزینند و از این طریق می‌کوشند هویت اسلامی خود را پاس بدارند. در اینجا گفتنی است که کتاب آسمانی مسلمانان در آیه ۵۹ سوره احزاب، در عین حال که آن‌ها را به رعایت حجاب سفارش کرده، برایشان حق آزادی انتخاب نیز قائل است؛ لذا در چنین جامعه‌ای در کنار زنان محجبه، گروهی دیگر از زنان دیده می‌شوند که از هنجارهای اسلامی عدول کرده و تحت تأثیر تبلیغات غرب از سبک پوشش جوامع غربی پیروی می‌کنند. شگفتی اریان نسبت به پدیده بی-حجابی در این جامعه، دلالت بر آن دارد که نویسنده درصدد است تا بر اندیشه «حجاب اجباری» در جوامع اسلامی خط بطلان بکشد؛ امری که برآمده از تبلیغات عوام‌فریبانه غرب است و مسلمانان را نسبت به هجوم فرهنگ بیگانه که تا حدی در جامعه اسلامی پیشروی کرده آگاه نماید و غیرت‌شان را به دفاع از هویت اسلامی برانگیزاند.

کیلانی گاه تأکید بر پایبندی به فرهنگ اسلامی را از طریق تعصب و اهتمام مسلمانان به رعایت حجاب برجسته می‌کند و این مسئله را می‌توان در گفت‌وگوی عبدالله با شمس شاهد بود:

«لا يصحُّ أن تأتي هنا بهذه الملابس والزينة الصارخة». / لقد أتيتُ من أجلک يا حبيبي ولأهنتک. / أنتِ لستِ محجَّبةً» (کیلانی، ۲۰۰۵: ۸۷).

ترجمه: «عبدالله گفت: درست نیست که با این لباس و این آرایش زننده به اینجا بیایی. شمس گفت: من فقط به‌خاطر تو و برای تبریک‌گفتن به تو آمده‌ام عزیزم. عبدالله گفت: تو حجاب نداری.»

با تأمل در شاهد فوق می‌توان اذعان کرد که «یکی از کارکردهای اجتماعی پوشش، هویت-بخشی آن است و نوع پوشش نشان‌دهنده سنت‌ها، ارزش‌ها و باورهای هر جامعه است» (نوری، ۱۳۸۱: ۱۳۲؛ به نقل از فرهنگی و باستانی، ۱۳۹۳: ۱۳۰). بر این مبنای نویسنده بر آن است تا حجاب را به‌عنوان یکی از احکام و جویب دین اسلام برجسته سازد و اهمیت آن را از دیدگاه مسلمانان نشان دهد. چنان‌که عبدالله نسبت به آرایش تند و بی‌حجابی شمس در آن محیط اسلامی حساسیت نشان می‌دهد و با تعبیری نظیر «درست نیست که با این لباس و آرایش زننده به اینجا بیایی» و «تو حجاب نداری» پی‌درپی او را از این هنجارشکنی نهی می‌کند و بدان واکنش نشان می‌دهد. اهمیت رعایت موازین پوشش اسلامی توسط زنان چه‌بسا در این اندیشه و اعتقاد تبلور دارد که «زن هر اندازه متین‌تر، با وقارتر و عقیف‌تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد، بر

احترامش افزوده می‌شود» (مطهری، ۱۳۷۳: ۵۹). با این بیان دریافت می‌شود که کیلانی با برجسته‌سازی تعصب مردان نسبت به پوشش اسلامی زنان بر لزوم حفظ حجاب تأکید دارد و از سوی دیگر پیام مقابله با فرهنگ غربزدگی را در جامعه به خوانندگان القا می‌کند.

۳-۱-۵. القاب و نام‌های هویت‌مند

نام‌ها و القاب، ساده‌ترین و عمومی‌ترین نشانه‌های هویت‌اند (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۱۸). نام شخصیت‌های روایی از ابزارهای مهمی است که نویسنده به کمک آن‌ها به اندیشه و مضمون ژرفا می‌بخشد (عبدالخالق، ۲۰۰۹: ۳۷۵). نام‌ها در رمان کیلانی، کارکرد مهمی دارند و نویسنده، متناسب با هویت و نقش شخصیت‌های داستانی، مجموعه‌ای از نام‌های عربی و ایتالیایی از قبیل عبدالله، شمس، صوفیا، علی، اریان و غیره را به کار می‌گیرد. در این اثر، عبدالله شخصیت محوری داستان است که در ابتدا نامش «اریان» بود؛ اما پس از مسلمان شدن، نام «عبدالله» را برای خود برمی‌گزیند: «وماذا اخترت من الأسماء / سأله الشيخ عید، وقال إريان: / عبدالله كارلو» (کیلانی، ۲۰۰۵: ۷۰). ترجمه: «شیخ عید از اریان پرسید: چه اسمی را برای خود برگزیده‌ای؟ اریان گفت: عبدالله کارلو.»

اسم «عبدالله» از نام‌های عربی-اسلامی و به معنای «بنده خدا» است و در تصوف به مفهوم «انسان کامل»؛ «کسی که خدا با اسمایش بر او تجلی کرده‌است» (رضایی‌تهرانی، ۱۳۹۲: ۷۶۰) می‌باشد. واژه «عبد» برگرفته از مصدر «العبودية» و «العبادة» است. «العبودية إظهار التذلل والعبادة أبلغ منها لأنها غاية التذلل» (راغب، بی‌تا، ۱: ۴۱۵)؛ عبودیت به معنای اظهار خاکساری است و عبادت از لفظ «عبودیت» در فهماندن این معنا رساتر است، زیرا به معنای نهایت خاکساری است. کیلانی زمانی این اسم را برای شخصیت اول داستانش مطرح کرد که وی پس از جست‌وجوی فراوان پیرامون حقایق اسلام به ایمان قلبی نسبت به این دین دست می‌یابد و کلمه شهادتین را در مقابل حاضران بر زبان جاری می‌کند. می‌توان گفت که نام «عبدالله» همه وجود و هستی این شخصیت را برای خواننده تداعی می‌کند و از آنجا که «نام، نوعی نشانه شناساننده است» (سیبیاک، ۱۳۹۱: ۳۸)، پس «عبدالله» در اینجا هویت اسلامی وی را به مخاطب می‌شناساند. «شمس» نیز نام رقاظه‌ای شرقی است با چهره گندم‌گون و فریبنده، دارای موهای سیاه بلند، اندامی باریک و کشیده که تمام کسانی که در میدان مغناطیسی او قرار می‌گرفتند، مجذوب و دل‌باخته او می‌شدند:

«شمس... ذات جمال مثير وتختلف عن كثير من النساء في روما، تبدو أمام ناظرها وكأنها كنز للفتنة والسحر» (کیلانی، ۲۰۰۵: ۱۸).

ترجمه: «شمس که از زیبایی چشمگیر برخوردار است، با بسیاری از زنان رم تفاوت دارد. هنگامی که در مقابل تماشاگران ظاهر می‌شود، انگار گنجینه‌ای از افسون و جادو است.»

شمس، واژه‌ای عربی به معنای خورشید و نام یکی از سوره‌های قرآن است و با توجه به مفاهیم ذاتی خود با شخصیت داستان تناسب بسیاری دارد. نویسنده، زیبایی و جذابیت شمس را به حدی توصیف می‌کند که هیچ یک از زنان رم به پایش نمی‌رسند. در واقع او را همچون خورشید، بی‌همتا و دارای جذبه معرفی می‌کند. توصیف ظاهر شدن شمس در مقابل تماشاگران نیز درخور توجه است؛ بدین‌سان ظهور او را همچون پدیدار شدن خورشید می‌داند که به آن محیط و حاضراتش شور و صمیمیت می‌بخشد. رابطه بین این شخصیت و اسمش مبتنی بر تشبیه است. در حقیقت نام شمس، شامل مشخصه‌های مشترک با شخصیتش است و این مشخصه‌ها در این نام (مشبه‌به) آشکارتر است و این نکته، درک هویت این شخصیت شرقی سرشار از عطوفت را برای خواننده آسان‌تر می‌کند.

یکی دیگر از این نام‌ها «صوفیا» است که اریان در ایتالیا به او ابراز علاقه می‌کند و پیشنهاد ازدواج می‌دهد؛ لیکن صوفیا درخواستش را رد می‌کند. پس از آن ماجرا اریان به دبی می‌رود و طی جریاناتی تصمیم می‌گیرد که مسلمان شود. در این هنگام صوفیا برای منصرف کردن اریان از تصمیمش راهی دبی می‌شود و به روش‌های پلیدی متوسل می‌گردد تا نظر اریان را عوض کند:

«صُوفِيَا فَإِنَّ عَلَيْهَا أَنْ تَكْظُمَ غِيظَهَا وَتَحْتَال. نَعَمْ تَحْتَالُ حَتَّى تَحَقِّقَ أَهْدَافَهَا بِأَيِّ ثَمَنٍ، حَتَّى وَلَوْ بَاعَتْ نَفْسَهَا لِلشَّيْطَانِ» (همان: ۷۷).

ترجمه: «صوفیا باید خشمش را فرو بخورد و نیرنگ به کار ببرد. بلکه نیرنگ به کار ببرد تا به هر قیمتی که شده به هدفش برسد حتی اگر خود را به شیطان بفروشد.»

نام «صوفیا»، ریشه یونانی دارد و به معنای «خرد» است. صوفیا در این رمان از دیدگاه خود، فردی روشنفکر است و افکار و عقاید خود را برتر از اندیشه‌های اریان و هم‌تایانش می‌داند و حتی در خودش این هوش و ذکاوت را می‌بیند که باید با ترفندهایی، اریان را پیرو فکر و خواسته خویش سازد. چنان‌که پیداست پیوندی تنگاتنگ میان معنای نام این شخصیت غربی و کنش‌های حيله‌گرانه‌اش وجود دارد و نویسنده، نام این شخصیت را متناسب با نقش روایی و

هویت سکولاری که برایش در نظر گرفته، برگزیده است و نویسنده، نام این شخصیت را متناسب با نقش روایی و هویت سکولاری که برایش در نظر گرفته، برگزیده است.

۳-۱-۶. روابط و مناسبات شغلی مبتنی بر اخلاق اسلامی

گرچه مسئله اشتغال به بعد اقتصادی و معیشتی انسان‌ها مربوط می‌شود؛ لیکن از زاویه اجتماعی و فرهنگی نیز قابل نشانه‌شناسی است. کیلانی در این رمان با استفاده از مؤلفه «شغل و مناسبات شغلی» به تبیین هویت اسلامی در جامعه شرقی و میزان پابندی افراد به آن می‌پردازد:

«ولاحظَ إریانُ أنَّهم لیسوا منقطعین للعبادة فبعضهم أطباء ومهندسون ومدرسون والبعض الآخر مِنَ الْعُمَّالِ الْفَنِّیِّینِ بَشْتَى الْجِرْفِ وبعد أنُ تنتهی الصلاة یبادرون بالعودة إلی أعمالهم» (همان: ۳۵).

ترجمه: «اریان مشاهده کرد که این طور نیست که آنان کارشان فقط عبادت‌کردن و دینداری باشد؛ بلکه بعضی از آن‌ها پزشک و برخی مهندس و معلم می‌باشند و بعضی دیگر هم تکنسین‌هایی هستند که در حرفه‌های گوناگون مشغول به کارند و همین‌که نمازشان تمام می‌شود، به سر کارشان برمی‌گردند.»

در گفته فوق، اریان که شخصیتی غربی است با مشاهده حضور فعال افراد در حیطه‌های گوناگون شغلی در جامعه اسلامی شگفت‌زده می‌شود؛ زیرا بر اساس اندیشه‌های رایج در غرب، مردم در کشورهای اسلامی به‌طور افراطی به انجام اعمال دینی پرداخته و از اموری همچون علم‌اندوزی و اشتغال غافلند. در حقیقت نویسنده از این طریق سعی دارد تا باورهای غلط در دنیای غرب را به چالش بکشد. در حقیقت نویسنده از این طریق سعی دارد تا باورهای غلط در دنیای غرب را به چالش بکشد. او علاوه بر این با ترسیم شاغلینی همچون دکتر، مهندس، معلم و کارگر و همین‌طور طرح این نکته که «آن‌ها فوراً پس از ادای نماز به کارشان باز می‌گردند»، می‌خواهد به مخاطب ناآگاه القا کند که مقوله شغل در جامعه اسلامی اهمیت بسزایی دارد و مسئله اشتغال از دیدگاه مسلمانان به اندازه عبادت مهم است. «طلبُ الکسبِ فریضةٌ بعد فریضة» (کاشفی، ۱۳۵۰: ۲۳۱)؛ پس از نماز واجب، کار کردن و کسب درآمد واجب است.

نویسنده در بخش دیگر از رمان با دستاویز قرار دادن عنصر «شغل»، عملکرد غربی‌ها و شرقی‌ها را در حیطه کاری دستمایه نقد قرار می‌دهد:

«أنَّ روما غابَةٌ ونوادى السياسة والبورصات وأروقة الفنّ وغيرها كلها تشكّل أجزاء من هذه الغابة الكبيرة المليئة بالذئاب والثعالب والوحوش الضارية» (کیلانی، ۲۰۰۵: ۷).

ترجمه: «شهر رم، یک جنگل واقعی است و باشگاه‌های سیاسی، بازارهای بورس، سالن‌های هنری و غیره، همه و همه بخش‌هایی از این جنگل بزرگ مملو از گرگ، روباه و حیوانات درنده را تشکیل می‌دهند.»

با توجه به این گفته، نویسنده فضای کاری غرب را به جنگلی پر از هرج و مرج تشبیه می‌کند که کارکنان آن همچون حیوانات حيله‌گر و درنده به‌دور از هرگونه مبانی اخلاقی با استفاده نادرست یا سوءاستفاده از قدرت و موقعیت، موجبات فساد را در محیط کار فراهم کرده‌اند. به بیان دیگر، نویسنده قصد دارد اعمال غیرقانونی غربی‌ها از قبیل ارتشاء، اختلاس، کلاهبرداری و غیره را در حیطه شغلی بازتاب دهد. تشبیه محیط کار و کنش‌گران فعال در آن به جنگل و حیوانات، نشان می‌دهد که عنصر شغل در گزاره فوق، درنمایی از شرایط نابسامان جامعه غرب است.

کیلانی در بخش دیگری از گفت‌وگوی اریان و علی با مقایسه و ترسیم فضای کاری غربی‌ها و شرقی‌ها از فساد و تبهکاری حاکم بر جامعه غرب پرده برمی‌دارد:

«عندنا فی إيطاليا مافيا ولصوص وقطاع طرق. / ولماذا تنشأ العصابات هنا أصلاً؟ الناس كلهم أیدی عاملة، یکدحون وینالون أجورهم، هی تکفیهم وزیاده، قد یفد إلینا بعض محترفی السرقة من بلاد أخرى، لكننا نکشفهم علی الفور. هنا أكثر من مائة جنسیة یعیشون فی انسجام تام. یصعب أن یکون لدیك مصدر للرزق وتسرق» (همان: ۱۴).

ترجمه: «اریان: در ایتالیای ما، گروه‌های مافیایی، دزدان و راهزنان فراوانی وجود دارند. / علی: اما اینجا چرا اصلاً باید گروه‌های مافیایی به‌وجود بیاید؟ همه مردم کار می‌کنند، زحمت می‌کشند و مُزد خود را می‌گیرند. مُزدهایی که برای گذران زندگیشان کافی است و گاه مازاد بر نیازشان هم هست؛ البته گاه گروه‌هایی از دزدان حرفه‌ای از جاهای دیگر به کشور ما نفوذ می‌کنند؛ اما ما فوراً دستگیرشان می‌کنیم. در اینجا بیش از صد ملیت مختلف وجود دارد که با هماهنگی کامل و در کنار هم زندگی می‌کنند. عجیب است که آدم منبع درآمدی داشته باشد، آن‌وقت دزدی هم بکنند.»

وجود امنیت در فضای کاری در جامعه اسلامی، اریان را به شگفتی وامی‌دارد. او ضمن توضیح در مورد حضور گروه‌های مافیایی، دزدان و راهزنان در ایتالیا از علی درباره حضور این گروه‌ها در دُبی می‌پرسد و علی پاسخ می‌دهد: «مردم شرق زحمت می‌کشند و دستمزد خود را

می‌گیرند و ...». با توجه به این گفته، کار کردن مسلمانان و دریافت مُزد به میزان تلاش و نفی پدیده دزدی در جامعه اسلامی، نشان از تعهد و پایبندی مسلمانان به آموزه‌های دینی دارد و عملکرد مناسب مسلمانان و شکل‌گیری محیط کاری سالم و مطمئن در این سرزمین بر تأثیر مثبت فرهنگ و آموزه‌های اسلامی در جامعه دلالت می‌کند؛ فرهنگی که در غرب نشانه‌های آن یافت نمی‌شود. در گزاره فوق، دستگیری فوری دزدان که از کشورهای دیگر به سرزمین اسلامی نفوذ می‌کنند، نشانه تلاش مسلمانان برای تداوم امنیت پایدار در جامعه است. همه این نمونه‌ها دیدگاه‌های غلطی را که غربی‌ها در مورد موقعیت‌های شغلی در شرق به وجود آورده بودند، رد می‌کند و حتی امنیت و اعتمادی که در چرخه کاری شرق جریان دارد را بر غرب برتر می‌شمارد. به‌دیگر سخن، کیلانی جامعه پرتنش و اوضاع نابه‌سامان غرب را دستمایه تلخ‌نگری خویش قرار داده و برای القای این مقصود، به موازنه آداب و رسوم حاکم بر جامعه غرب و شرق از زاویه دید یک شخصیت غربی یعنی اریان می‌پردازد. با توجه به شواهد می‌توان اذعان کرد که عقاید و رفتارهای نابهنجار غرب که در سایه دموکراسی مآب به‌صورت آداب و رسوم و عادت درآمده، هر عقیده و رفتاری را در این جامعه مجاز شمرده و در مقابل، هیچ‌گونه فشار و ممنوعیتی بر آن‌ها اعمال نمی‌شود، در نتیجه هویت افراد جامعه، معنای اصلی خود را از دست داده و آنان متناسب با چنین فضایی به برخورداری از شخصیتی وارفته و منفعل راضی گشته‌اند. پدیده‌ای که درباره آن می‌توان اذعان کرد: «بحران هویت یکی از عوامل آسیب‌زای اجتماعی است» (بلاوی، ۱۳۹۹: ۲۴۵). کیلانی با ترسیم جامعه متحد و منظم شرق، ویژگی‌های جامعه اسلامی را حقیقت‌نمایی می‌کند و بدین ترتیب برای مقابله با عقل‌گرایی غرب که قصد دارد دین را از صحنه بین‌الملل محو نماید، آداب و رسوم دین اسلام را در مقابل آداب و رسوم نابهنجار و فضای ملتهب غرب به‌تصویر می‌کشد تا برتری جامعه دینی را بر جامعه سکولار غرب نشان دهد.

۴. نتیجه‌گیری

بررسی رمان *الرجل الّذی آمنَ* بر پایه نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو و با محوریت هویت بیانگر آن است که یکی از امتیازات و عوامل موفقیت این رمان، اهتمام ویژه نویسنده به نشانه‌های هویت دینی است. با اینکه این داستان، شرح دلدادگی دو جوان عاشق است؛ لیکن در واقع بستری است که نجیب کیلانی از طریق آن توانسته با برجسته‌سازی نشانه‌های اجتماعی اسلامی از قبیل اعمال دینی، عواطف دین‌مدارانه، اعتقادات دینی، یونیفرم و تن‌پوش‌های هویت‌بخش،

القاب و نام‌های هویت‌مند، مناسبات شغلی مبتنی بر اخلاق اسلامی و غیره، تمایز بین شرق و غرب و نیز واقعیت‌های فرهنگی و اقتصادی آن‌ها را بازتاب دهد و با برجسته‌سازی نمادهای هویت و فرهنگ اسلامی در سرزمین‌های شرقی، بسترهای نهادینه‌سازی آن را بیش‌ازپیش در اذهان مخاطبان فراهم کرده و روحیه پاسداری از فرهنگ دینی را در جامعه تقویت کند.

نویسنده در این رمان، با نگرشی جامعه‌شناختی، عمده‌ترین مسائل سیاسی-اجتماعی شرق از جمله تهاجم فرهنگ غرب، بحران هویت و رواج بی‌بند و باری را بازآفرینی می‌کند و دیدگاه‌های نادرستی را که امروزه پیرامون شرق و جامعه اسلامی رواج یافته، به‌چالش می‌کشد و مبانی اسلامی را نسبت به آموزه‌های غربی رهگشا و برتر می‌شمارد و برای اثبات این مدعا به تبیین کارکردها و تأثیر هویت دینی در جامعه متوسل می‌شود و از طریق شخصیت‌پردازی و مقایسه ارزش‌های اجتماعی در دو سرزمین شرق و غرب، خواننده را وامی‌دارد تا اندیشه‌ها و تبلیغات بی‌پایه در مورد شرق را کنار زده و از دریچه‌ای تازه به هویت حقیقی این جامعه اسلامی بنگرد.

در این رمان، مهم‌ترین مؤلفه‌ای که نویسنده بر آن تأکید دارد و شخصیت اصلی داستان به نام اریان در سراسر رمان با آن روبه‌رو است، عنصر دین می‌باشد. کیلانی با طرح این مسئله، به‌طور ویژه از سه زاویه «عقاید»، «عواطف» و «اعمال» دینی به آن می‌نگرد؛ از منظر عقاید اسلامی به حرام‌بودن ازدواج مسلمان با غیر مسلمان، اعتقاد به تمام پیامبران الهی، همزیستی با پیروان ادیان دیگر اشاره می‌کند و از منظر عاطفی به اشتیاق افراد نسبت به دین اسلام، اهتمام به مسئله دعا کردن و برخورداری از روحیه تعاون و از منظر عملی به امر به معروف و نهی از منکر، اهتمام به نماز، ممنوعیت نوشیدن شراب و غیره می‌پردازد. نویسنده همچنین به پدیده پوشاک پرداخته و این مشخصه را به‌عنوان نمایه‌ای دینی برای جلوگیری از ترویج فرهنگ غربی در جامعه اسلامی مطرح می‌کند. در مورد نام‌ها نیز مجموعه‌ای از نام‌های عربی و ایتالیایی از قبیل عبد الله، شمس، صوفیا، اریان و غیره را متناسب با کنش‌ها، روحيات و نقش تقابلی آن شخصیت‌ها انتخاب کرده تا درک هویت اسلامی و غربی را برای خواننده آسان‌تر سازد. کیلانی در زمینه شغل هم به نوعی مقایسه دست زده تا تصویری واقعی از فضای کاری شرق و غرب به جهان ارائه کند؛ چنانکه از فساد، تبهکاری و گروه‌های مافیایی غرب پرده برداشته و از قناعت مردم شرق، وظیفه‌شناسی و پایبندی آنها به قوانین کار سخن می‌گوید و بدین وسیله در جهت نهادینه‌شدن فرهنگ اسلامی در جوامع شرقی بیش‌ازپیش می‌کوشد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آرون، ریمون (۱۳۷۰)، *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: آموزش.
۳. آلستون، ویلیام. پی (۱۳۸۳)، *تجربه دینی*، ترجمه مالک حسینی، چاپ اول، تهران: هرمن.
۴. أحمد، نحلۃ (۲۰۰۱)، *علم اللغة النظامی مدخل إلى النظرية اللغویة عند هالیادی*، الإسكندریة: ملتقى الفكر.
۵. استارک، رادنی (۱۳۹۳)، *جامعه‌شناسی استارک*، ترجمه نسرین طباطبایی و محمدرضا جعفری، تهران: ثالث.
۶. اسکولز، رابرت (۱۳۸۳)، *درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات*، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ دوم، تهران: آگاه.
۷. اکبری، بهمن (۱۳۸۷)، «بحران هویت و هویت دینی». پیک نور، شماره چهارم، صص ۲۱۹-۲۳۱.
۸. ایگلتون، تری (۱۳۸۰)، *پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی*، ترجمه عباس مخبر، چاپ دوم، تهران: مرکز.
۹. بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۹)، *نظریه کنش*، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: نقش و نگار.
۱۰. پترسون، مایکل و دیگران (۱۳۷۶)، *عقل و اعتقاد دینی*، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران: طرح نو.
۱۱. پرودفتو، وین (۱۳۸۳)، *تجربه دینی*، ترجمه عباس یزدانی، چاپ دوم، قم: طه.
۱۲. جوادی یگانه/ عزیز، محمدرضا/ جلیل (۱۳۸۷)، «هویت فرهنگی و اجتماعی در بین جوانان شهر شیراز با توجه به عامل رسانه». *نشریه تحقیقات فرهنگی ایران*، شماره سوم، صص ۱۸۳-۲۱۴.
۱۳. حسینی، محمد حسن (۱۳۷۸)، *نوسازی جامعه از دیدگاه امام خمینی (ره)*، تهران: نشر عروج.
۱۴. حیاتی، زهرا (۱۳۸۶)، *از هویت ایرانی*، تهران: سوره مهر.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دار القلم.
۱۶. رضایی‌تهرانی، علی (۱۳۹۲)، *سیر و سلوک*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۷. زند وکیلی، مهدی (۱۳۷۶)، «دین نهادی اجتماعی یا حقیقتی فرا نهادی؟»، *مجله مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، شماره اول، صص ۳۰-۳۳.
۱۸. سجودی، فرزانه (۱۳۹۳)، *نشانه‌شناسی کاربردی*، چاپ سوم، تهران: علم.
۱۹. سیبیاک، تامس آلبرت (۱۳۹۱)، *درآمدی بر نشانه‌شناسی*، ترجمه محسن نوبخت، تهران: علمی.
۲۰. شفرز، برنهاد (۱۳۸۴)، *مبانی جامعه‌شناسی جوانان*، ترجمه کرامت الله راسخ، تهران: نی.

بازنمود نشانه‌های هویت اسلامی در رمان الرَّجُل الَّذِي آمَنَ...

۲۱. طالبان، محمدرضا (۱۳۸۸)، «چارچوبی مفهومی برای پیمایش دینداری در ایران»، *اسلام و علوم اجتماعی*، شماره اول، صص ۷-۴۸.
۲۲. عبد الخالق، نادر أحمد (۲۰۰۹)، *الشَّخصيَّة الرُّوائِيَّة بين علي باکثير و نجيب الكيلاني دراسة موضوعيَّة و فنيَّة*، مصر: دار العلم والإيمان.
۲۳. فرهنگی / باستانی، سهیلا / معصومه (۱۳۹۳)، «نشانه‌شناسی رمان بیوتن»، *فصلنامه تخصصی نقد ادبی*، شماره ۲۵، صص ۱۲۱-۱۵۱.
۲۴. کاشفی، مولا حسین واعظ (۱۳۵۰)، *فتوت‌نامه سلطانی*، تصحیح محمدجعفر محجوب، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۲۵. کلینی، محمد (۱۳۶۵)، *الکافی*، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۶. الکیلانی، نجیب (۲۰۰۵)، *الرَّجُل الَّذِي آمَنَ*، بیروت: مؤسسَةُ الرِّسَالَةِ.
۲۷. گیرو، پی‌یر (۱۳۸۰)، *نشانه‌شناسی*، ترجمه محمد نبوی، تهران: آگاه.
۲۸. لیوون، تئوون (۱۳۹۵)، *آشنایی با نشانه‌شناسی اجتماعی*، ترجمه محسن نوبخت، تهران: علمی.
۲۹. ماهوزی / بلاوی / زارع، زهرا / رسول / ناصر (۱۳۹۹)، «واکاوی بحران هویت زنان زیر تیغ داعش در رمان الکافره بر پایه نظریه اریکسون». *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، شماره دوم، صص ۲۴۳-۲۶۴.
۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، *مسئله حجاب*، تهران: صدرا.
۳۱. معین، محمد (۱۳۸۱)، *فرهنگ فارسی*، تهران: امیر کبیر.
۳۲. همیلتون، مَلْکَم (۱۳۹۴)، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ پنجم، تهران: ثالث.
۳۳. یار شاطر، احسان (۱۳۸۳)، *پوشاک در ایران زمین*، ترجمه پیمان متین، تهران: امیر کبیر.